

ایران



حضرت محمد (ص):
پُرچَرترین مردم کسی است که آنچه را به او مربوط نیست رها کند.

سخن‌روز

نَهج الفصاحه ص ۶۸



فضای مجازی

اظهار تأسّف محمد معتمدی برای درگذشت مداح پیشکسوت، پست جالب علیخانی برای کتاب‌دوستان و خبری که نوید محمودی دربارهٔ زمان اکران فیلم «آخرین تولد» منتشر کرده بخشی از مطالبی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.



عاشق پدر نباشد، عاشق دین پدر نمی‌شود.»

نوشته معتمدی برای درگذشت مداح پیشکسوت



محمد معتمدی، خواننده موسیقی سنتی با اظهار تأسّف از درگذشت یکی از مداحان قدیمی و پیشکسوت نوشته: «امشب (شامگاه جمعه) خبردار شدم حاج علی قصری مداح قدیمی و باصفا چشم از جهان فرو بست. شاید بخش زیادی از شکل‌گیری علاقه من به موسیقی و آواز ایرانی مربوط به زمانی بود که کودکی شش هفت ساله بودم و در حسینیه‌های کاشان با شور و شوق وصف ناشدنی، گوش جان به صدای زیبای حاج علی قصری می‌سپردیم. هرچند او اهل تهران بود ولی آن سال‌ها برای ایام محرم هیأت‌های کاشان از ایشان بسیار دعوت می‌کردند. قدیمی‌ترها حتماً می‌دانند که چه جادوی عجیبی در صدای این مرد بود. چه اخلاص و چه سوز سینه‌ای داشت. صدایش عجیب کاریزماتیک و تأثیرگذار بود. و متأسفانه بدون اینکه آگاه باشیم، بسیاری از داشته‌های ارزشمند فرهنگی‌مان را در این چند دهه از دست داده‌ایم. و چقدر داریم تهی می‌شویم… افسوس. روح‌ت شاد و یادت گرمی، حاج علی قصری.»



پست جالب یوسف علیخانی برای کتاب‌دوستان

یوسف علیخانی، نویسنده و ناشری که چند سالی است در زمینه کتابفروشی هم فعالیت می‌کند. وی مطلبی را با دنبال‌کنندگان صفحه خود به اشتراک گذاشت. در این صفحه که تصاویر جلد کتاب‌های مختلفی خودنمایی می‌کند سوآلی از مردم پرسیده شده، اینکه موضوع کتابی که این روزها می‌خواند چیست. در ادامه هم از آنان خواسته شده که در یک عبارت یا جمله‌ای کوتاه مختصری درباره‌اش بنویسند. در این بین کامنت‌های مخاطبان این پرسش جالب توجه است، کتاب‌دوستان فقط به ذکر نام اثر و نویسنده و البته مترجم اکتفا نکرده‌اند و برخی حتی درباره احساس خود به کتابی که مشغول مطالعه‌اش هستند هم نوشته‌اند. اگر حوصله جست‌وجویی مختصر میان کامنت‌های این پست را داشته باشید فهرست جالب توجهی از کتاب‌هایی که در اولین فرصت بتوانید بخريد جمع‌آوری خواهید کرد.

نوشته داریوش فرضیایی برای مادرش



داریوش فرضیایی، مجری و برنامه‌ساز بخش کودک و نوجوان تلویزیون فیلم‌کوتاهی از مادرش را منتشر کرده و نوشته: «از وقتی موبایلم رو بهش دادم روزی ۱۰ بارعکس‌هاشو نگاه میکنه یا روشن و خاموشش میکنه!جالب اینجاست که چه موقع خواب چه بیداری داتماً موبایلم باید کنار باشه، دقیقاً عین بچه‌ها میترسه گمش کنه یا کسی ازش برداره!امشب کلی کنار تختش براش عکس‌ها و فیلم‌ها رو نشون دادم و لذت برد. جدیداً هم وقتی می‌پرسم این تلفن رو از کجا آوردی، میگه به میر تو (شاه عبدالعظیم) بهم داده!گویا سرنوشت جاهامون رو عوض کرده، حالا نوبت منه که شب‌ها بیدار بمونم بیوسشم و بگم شب بخیرمادر، تا صبح هم چندبار سر بزتم روشو بیوشونم تا بلکه سرما نخوره…!چقدر عجیبی روزگار..!»



فیلم تازه‌ای از برادران محمودی در راه اکران

نوید محمودی، کارگردان افغانستای، مطلبی را درباره فیلم «آخرین تولد» به اشتراک گذاشته که بزودی اکران می‌شود. فیلم «آخرین تولد» به کارگردانی نوید محمودی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی پروانه نمایش گرفته است. «آخرین تولد» با بازی الناز شاکردوست، پدram شریفی، آناهیتا افشار و آرمین رحیمیان، اوضاع

و احوال کنونی افغانستان و قدرت‌طلبی طالبان را به تصویر می‌کشد. بخش‌هایی از فیلم در تاجیکستان ساخته شده و بازیگران افغانستانی و تاجیکستانی هم در آن بازی دارند. این فیلم ابتدا قرار بود به جشنواره جهلم فجر برسد که با طوفانی شدن فیلمبرداری، این اتفاق نیفتاد و حالا پس از دو سال پروانه نمایش آن صادر شده است.

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سرپریر:** حسام‌الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)

- آزاده سهرابی (اجتماعی) « بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه) « محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهره کشوری (زیست‌بوم) « سعید زاهدیان (ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرایی)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) « ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول

نَهج الفصاحه ص ۶۸



کلاکت

کشیش پشت دوربین

یک بار وقتی که گریرسن داشت نقدی بر فیلم «موتان» ساخته رابرت فلاهرتی می‌نوشت، برای اولین بار واژه «مستند» را برای این ژانر از فیلمسازی به کار برد و مدبغ این عنوان شد. البته خدمات جان گریرسن اسکاتلندی به سینمای مستند خیلی بیشتر از ابداع عنوان است، او نظریه‌پرداز و تهیه‌کننده شهریر مستند بود، چنانکه امروزه او را «پدر مستندسازی بریتانیا» می‌دانند.

گریرسن در دانشگاه گلاسکو فلسفه اخلاق خوانده بود، او فیلم را دارای همان تأثیری می‌دانست که قبلاً کلیسا برافکار و اعمال جامعه داشت، از این‌رو مستند را چراغ راهنمای مردم برای بیرون آمدن از گمراهی می‌دانست؛ او رسماً می‌گفت «من به سینما به مثابه وعظ می‌نگرم.»

گریرسن پس از اینکه به آمریکا رفت و با رابرت فلاهرتی آشنا شد، در جایگاه کارآموز او قرار گرفت و او را به‌عنوان «پدر سینمای مستند» ستود اما همیشه از این تأسّف می‌خورد که چرا فلاهرتی به جای شهر و جامعه خودش به سرزمین‌های دوردست می‌رود و وقت خود را تلف می‌کند، از این‌رو پس از فلاهرتی بیشتر توجهش معطوف به رویکرد مسئولیت اجتماعی در سینمای روسیه شد. او شیفته آیزنشتاین بود و این را به خوبی در اولین اثرش، یعنی «ماهگیران» نشان داد، آنجا که ضربانگ در تدوین به خوبی یادآور سبک تدوینی رزمناو پوتمکین بود. گریرسن در همین اولین اثرش نشان داد که راه او از فلاهرتی جداست و او بیشتر از اسکمیوها و بومی‌های استوای معطوف به شهر، صنعت و جامعه است.

گریرسن بیشتر از اینکه کارگردان باشد یک تهیه‌کننده و مدیر خلاق بود؛ او سعی می‌کرد با نظریه‌پردازی بر طریف وسیعی از مستندسازان تأثیر بگذارد و هم اینکه با سبک خاص مدیریت خود، چیزی شبیه به یک فرمانده نظامی و با چاشنی تندرماجی و ترش‌رویی، مجموعه تحت امر خود را به راهی ببرد که می‌خواهد. مثلاً تصور کنید که در آن شرکت فیلمسازی همه چیز در کار خلاصه می‌شد و ازدواج حرام بود، کوبی اینجا دیر است و اینها راهبه و عشاء ربانی‌شان همین کات‌هایی که می‌زنند، از همین رو بود که یکی از کارورزان، او را «کشیش پیرو کالوین» می‌نامید.

یکی از خواندنی‌ترین روایتط گاری در دنیای مستند، رابطه گریرسن و فلاهرتی است. او که در ابتدا شیفته فلاهرتی بود و یکی از حواریون او به شمار می‌رفت، کم‌کم از زیبایی‌شناسی خاص او فاصله گرفت و به یک منتقد سرسخت بدل شد، چنان‌که پس از یک دعوت فلاهرتی به بریتانیا برای تولید یک فیلم مستند، نزنوانست با او کنار بیاید و استاد را اخراج کرد! گریرسن به شاگردانش می‌گفت: «مراقب باشید استیک‌زده نشوید، شما در وهله اول یک مبلغ هستید نه یک فیلمساز، هنر برای شما یک چکش است نه آینه.»

وقتی که فلاهرتی در ۱۹۳۴ «مردی از آران» را ساخت و یک بار دیگر بعد از «نانوک شمال» مخاطبان را شگفت‌زده کرد، حتی پل روتا که همیشه در نقد فلاهرتی با گریرسن همراهی می‌کرد او را استود اما باز این گریرسن عیوس بود که فلاهرتی را متهم به ندیدن وضع اسفبار اقتصادی جزیره‌ای کرد که در مستند نشانش داده بود. گریرسن از عبارت «بارگشت اجتماعی به ستایش قهرمانی» برای این مستند استفاده کرد و چنان در این نقد مصرماند که روتا هم نظرش را نسبت به فیلم تغییر داد و گفت: «مستند نباید موضوعات اجتماعی این عصر مهم را نادیده بگیرد.» از آن سو فلاهرتی هم رویه گریرسن را مبنی بر اینکه مستند باید همیشه با تفسیری حاکی از یک نظر خاص همراه باشد «یک تحمیل لغیتی» می‌دانست.

کارویژه گریرسن در تاریخ سیند نظریه‌پردازهای عمدتاً اجتماعی می‌باشد، او بخشی از این آرا را در رساله‌اش با عنوان «اولین اصول مستند» در ۱۹۳۲ منتشر کرد.

پیشنهاد

هومان، داستان ساخته شدن یک قهرمان

تا حالا شده که بخواهید به یک نوجوان کتاب هدیه بدهید؟ احتمالاً سَری به کتابفروشی‌ها زده‌اید و در میان کتاب‌های مختلف تخیلی و هیجان‌انگیز چشمی گردانده‌اید و توجه‌تان به یک چیز جلب شده و آن هم اینکه چرا بیشتر این کتاب‌ها خارجی است؟

اگر دوست دارید رمان ایرانی و هیجان‌انگیزی مناسب سنین نوجوانی هدیه دهید پیشنهاد می‌کنم «هومان» را در میان گزینه‌هایتان قرار دهید.

این رمان ۱۶۹ صفحه‌ای که انتشارات مهرگان آن را منتشر کرده محمد نصرای نوشته و به داستان زندگی نوجوانی به نام هومان در شهری خیالی به نام نیهپ می‌پرداز. نیهپ یادآرمانشهری است که حاکم ظالمی به نام شداد، برخی از انسان‌ها را به جادو به موجوداتی به نام نسناس تبدیل کرده است و برخی دیگر انسان ماندانند که شداد انسان‌ها را به‌عنوان کارگران خود به بردگی کشیده و نسناس‌ها را به‌عنوان سرکارگر با شلاق بالای سرشان گماشته است. هومان و مادرش هم مانند همه مردم، کارگران این حاکم ظالمدان تا اینکه اتفاقاتی باعث می‌شود هومان به ناچار از این شهر تیره و تار خارج و به سوی شهر گمشده برود.

هومان این قصه که به‌مرور به قهرمان آن هم تبدیل می‌شود نوجوانی است مانند همه انسان‌هایی که می‌شناسیم. اشتباه می‌کند، لغزش دارد و حتی تا مرز بردگی شیطان هم پیش می‌رود اما هر بار به‌نحوی راهش را پیدا می‌کند و در نهایت همه این لغزش‌ها عامل رشد و بزرگ شدن او می‌شود. نویسنده در این کتاب حواسش بوده در کنار درس‌های اخلاقی که لایه‌لای اتفاقاتش دارد از جذابیت و قصه‌گویی غافل نشود و گر‌ها و اتفاقات هیجان‌انگیز آن باعث می‌شود خواننده مشتاق ادامه داستان و فهمیدن سرنوشت هومان و دوستانی باشد که در این راه پیدا می‌کند.

با خواندن این کتاب و توصیفاتی که نصرای از یادآرمانشهر قصه‌اش یعنی نیهپ دارد، متوجه می‌شوید او انکار لایه‌لای این افسانه‌ها و داستان‌های تخیلی در حال نقد زندگی مدرن و اسارت انسان به دست سرمایه است. در شهر نیهپ همه انسان‌ها ناچارند به شکل طاقت‌فرسایی کار کنند، به زور تقاب لبخند بر چهره داشته باشند و بوق‌ها هم در حالی که رمق همه در فشار و فلاکت گرفته شده از شادی و خوشحالی می‌گویند. زمانی‌هم که اهریمن قصد اسیر کردن هومان را دارد به او می‌گوید که چیزی جز قدرت حقیقت ندارد و به جز سود خودم به چیز دیگری نباید فکر کنم. مردم نیهپ هم فقط در ازای کار طاقت‌فرسا می‌توانند غذا بگیرند و البته دل‌شان به همان غذا خوش است و رفیقه‌ه همان هستند چون اساساً هیچ تلقی و ایده‌ای از زندگی به‌نحوی دیگر ندارند به جز چیزی که از ابتدای زندگی‌شان در نیهپ دیده‌اند.

در نهایت اینکه اگر هومان را برای هدیه به یک نوجوان خریدید، بد نیست خودتان هم یک بار کتاب را از او قرض بگیرید و بخوانید. این رمان برای بزرگسالان هم می‌تواند جذاب باشد و در یک بعد از ظهر تا قبل از خواب‌تان می‌توانید آن را به پایان برسانید.

- تلفن:** ۰۰۴۱۷۲۰۰۸۸۷۶۱۲۳۴؛ شماره: ۰۰۴۱۷۲۳۴۵۶۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۰۰۴۱۱۳۱۳۳۰۰۰۰۴۱۷۲۳۴۵۶۸۸۷۶۹۰۷۵
- صندوق پستی:** ۰۵۳۸۸۰۵۳۸۸۰۵۳۸۸۰۵۳۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌چم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۰(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۰۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

ای توامان هر‌بلاما همه در آمان تو
جان همه خوش است در سایه لطف جان تو
شاه همه جهان تویی اولی همه کسان تویی
چونک تو هستی آن ما نیست غم از کسان تو
مولانا

یادداشت

نَهج الفصاحه ص ۶۸



کلمه

نَهج الفصاحه ص ۶۸

نَهج الفصاحه ص ۶۸

تحلیل با ذهن استعمارزده

صفحه فارسی رسانه «یورو نیوز» در شبکه اجتماعی خود نوشت، کشور سوئد بین سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۷۶ یک طرح اصلاح نژادی اجرا کرد و براساس آن قانون حدود ۳۰ هزار نفر از شهروندان سوئدی به اجبار عقیم شدند چرا که دولت می‌خواست «از شر افراد نژادپرتر خلاص شود.» شاخصه اصلی این ضعف چیست؟ فقراً یعنی اگر کسی فقیر باشد یعنی کم هوش و ضعیف است و نباید نسل او ادامه پیدا کند.

راستش اول که خبر را خواندم به خودم گفتم می‌توانم یادداشتی درباره سوابق استعماری کشورهای غربی بنویسم، مثلاً شاید تصویرآن باغ وحش انیسای در سربیک را دیده باشید که سایهوستان برای سرگرمی سفیدهای اروپایی به نمایش گذاشته شده‌اند. این فقط یک نمونه است و از این دست مثال‌ها بسیار است. اما محض کنج‌کاوی نگاهي به نظرات مردم پای این خبر انداختم و آنقدر غافلگیر شدم که اصل خبر به حاشیه رفت. در شرایطی که خود سوئد از این اقدام شرمنده است، برخی اتفاقاً استقبال کرده و نوشته بودند کاش در همه جای دنیا اجرا می‌شد و پیشرفت امروز سوئد نتیجه همین شکل تصمیمات است؛ یا برخی نوشته بودند کاش در کشورهای جنگ زده «خاورمیانه» هم این طرح اجرا می‌شد تا نسلی از «انسان عاقل» روی کار بیایند! دلم می‌خواست برایشان بنویسم رسانه با ما چه کرده که حتی کشورهای مهاجم را عامل جنگ نمی‌دانیم و فکر می‌کنیم تقصیر مردم سوریه، تقصیر مردم عراق و تقصیر مردم ژاپن است که اینطور کشورهایشان با بمب و بمباران نابود شد. در این میان لایند آمریکا و متحدانش هم هیچ تقصیری نداشته‌اند.

شاید اگر به جای نام کشور «سوئد»، نام کشوری آفریقایی نوشته شده بود واکنش‌ها متفاوت می‌شد؛ احتمالاً دیگر همه این «اقدام بدوی» را محکوم می‌کردند.

احتمالاً همه ما در ذهن‌مان افرادی را سراغ داریم که به یک تصمیم جهت‌گیری سیاسی‌شان بر تحلیل‌های‌شان سایه می‌اندازد؛ یعنی برای یک اقدام کاملاً مشابه اگر از سوی جناح موافق انجام شود، دوست می‌زنند و اگر همان کار چنانچه مخالف انجام دهند، سکت می‌محکوم می‌کنند.

نکته مهم درباره تحلیل‌های سیاسی همین است که بتوان بدون حب و بغض سیاسی و تمرکز بر نام اشخاص و کشورها، کتش‌ها و سیاست‌ها را تحلیل کرد؛ در غیر این صورت بالاخره یکجا آن تحلیلگر یا سیاستمدار گیر می‌افتد.
اتفاقی که سال ۱۹۹۸ برای مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه وقت آمریکا در نشست فتاد. معلمی به او گفت چرا آمریکا برای سیاست‌ها و جنایت‌های مشابه (از رژیم اسراییل و عراق صدام، سیاست‌های متفاوتی اتخاذ می‌کند؟ چرا به اسرئیل سلاح می‌دهیم و از او حمایت می‌کنیم اما درباره عراق به دنبال بمباران و تحریرهای بیشتر هستیم؟ فقط چون یکی متحد سیاسی‌مان است و منفعت دارد و دیگری نه.

سکوت آلبرایت، این سیاستمدار کارگشته و صدای دست و سوت‌های حضا، بهتر می‌شود برای عرض من است. تحلیل با ذهن استعمارزده، سیاست زده و اسیر رسانه‌های جریان اصلی، خطرناک‌ترین است.

پیشنهاد

نَهج الفصاحه ص ۶۸

نَهج الفصاحه ص ۶۸

عکس نوشت

نَهج الفصاحه ص ۶۸

نَهج الفصاحه ص ۶۸



همزمان با هفته محیط زیست ۳۵ تن گیاه مهاجم سنبل آبی توسط محیطبانان با دستگاہ دروگر مخصوص از سطح تالاب انزلی جمع‌آوری و از این پهنه آبی خارج شد. | ایرنا